



## یادداشت

نسل کنونی بشر با گذر از عصر تولیدات کشاورزی، صنعتی و خدماتی وارد عصری شده است که "اطلاعات" عنصری حیاتی برای آن محسوب می‌شود. در عصر اطلاعات برای انجام هر فرآیند اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی علاوه بر عناصر و مؤلفه‌هایی هم چون نیروی انسانی، امکانات فیزیکی و مالی، وجود عنصری دیگری بنام "اطلاعات" ضرورت اساسی دارد. در واقع این عنصر کلیدی سوخت تمامی فرآیندها و فعالیت‌هایی است که در عصر اطلاعات و توسط انسان "اطلاعات مدار" انجام می‌شود. در این عصر، اطلاعات همپای دیگر کالاها استراتژیک نقشی تعیین کننده در تفوق و برتری ملت‌ها و تأمین رفاه و ثروت ملی دارد. به همین دلیل است که در کنار اصطلاحاتی مثل فقر و غنای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی؛ فقر و غنای اطلاعاتی، خوداتکایی اطلاعاتی، عرضه و تقاضای اطلاعات، خلاء اطلاعاتی، توان اطلاعاتی، توزیع عادلانه اطلاعات، سواد اطلاعاتی، قدرت رسانش اطلاعات و غیره نیز آورده می‌شود. برای تعیین و میزان غنا و فقر اطلاعاتی هر جامعه، مؤلفه‌هایی هم چون رسانه‌های گروهی و تنوع آنها، فرآیندهای آموزشی و پژوهشی، کتابخانه‌ها، شبکه‌های اطلاع‌رسانی، میزان سواد، انواع موزه‌ها، گالری‌های هنری، نمایشگاه‌ها، میزان مطالعه، مهارت‌های خواندن و نوشتن و غیره مورد سنجش قرار می‌گیرند. در جامعه‌ای که دارای غنای اطلاعاتی است دسترسی به اطلاعات متفاوت و با اشکال مختلف از طریق رسانه‌ها و مجراهای گوناگون بسیار راحت‌تر و روان‌تر انجام می‌گردد. در چنین جوامعی قدرت رسانش اطلاعات در سطح بسیار بالایی است. این تفاوت یعنی غنا و فقر اطلاعاتی در سطح کشورهای مختلف و حتی در سطح یک کشور، یک

شهر و حتی محله‌های یک شهر نیز می‌تواند صادق باشد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و عناصر جامعه غنی اطلاعاتی وجود کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی کارآمد و پویاست و باید اذعان داشت که کتابخانه‌ها در عصری به حیات خود ادامه می‌دهند که اطلاعات تا این حد از ارزش اقتصادی و کالایی برخوردار نبوده است و تاکنون در هیچ عصری نسل بشر برای ادامه حیات مادی و معنوی خود تا این حد نیازمند اطلاعات صحیح و روزآمد نبوده است. بنابراین وظیفه این نهاد اجتماعی و گردانندگان آن یعنی کتابداران و اطلاع‌رسانان بسیار مهم و خطیرتر از گذشته است. بدین معنا که کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی به عنوان ذخیره، مخزن و جایگاه اطلاعات نقش کاتالیزور و شتاب‌دهنده در تمامی فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی و فرهنگی و دیگر فرآیندها دارند. یکی دیگر از شاخصه‌های این نهاد اجتماعی نقش غربالگری و پالایش اطلاعات است. بدین معنا که پس از دریافت و ذخیره‌سازی اطلاعات، آنها را تفکیک نموده و پس از پالایش و رفع آلودگی‌های اطلاعاتی و اضافه‌بار از آنها، محصول کالایی با ارزش افزوده بالا را در اختیار بخش‌های مختلف جامعه قرار دهد. اگر کتابداران و اطلاع‌رسانان بتوانند این وظیفه خود را به خوبی و پویایی و به صورت بهینه انجام دهند نقش قاطعی در این روندها خواهند داشت.

اما وضعیت کنونی کشور ما در عصر اطلاعات چگونه است. آیا ما از جامعه‌ای با غنای اطلاعاتی برخوردار هستیم یا دچار فقر اطلاعاتی هستیم؟ آیا مؤلفه‌های یک جامعه غنی اطلاعاتی در کشور ما از نظر کمی و کیفی در سطح مطلوبی قرار دارد؟ آیا یکی از مهم‌ترین این عناصر و مؤلفه‌ها یعنی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی به نحو مطلوب و بهینه عمل



می‌کنند؟ آیا جایگاه حوزه اطلاع‌رسانی و نقش کلیدی و کالایی و ارزش اقتصادی اطلاعات در نظام اجرایی و اداری ما به خوبی روشن و مشخص شده است؟ آیا رشد و توسعه سریع اقتصادی باعث شده تا از مقوله اطلاعات و اطلاع‌رسانی غافل شویم و دچار خلاء اطلاعاتی گردیم؟ آیا کتابخانه‌های دانشگاهی و تخصصی نقش واقعی خود را در زمینه آموزش و پژوهش ایفا می‌نمایند؟ آیا کتابخانه‌های عمومی به عنوان سنگ بنای فعالیت‌های فرهنگی مطرح هستند؟ جریان اطلاعات بین ما و دیگر کشورها یک سویه است یا دو سویه؟ آیا بیشتر واردکننده اطلاعات هستیم یا صادرکننده آن؟ تراز تبادل اطلاعات در کشور ما چگونه است؟ آیا در نظام تولید و توزیع منابع انسانی، مالی و فیزیکی از نظام اطلاع‌رسانی پویا و کارآمد بهره می‌گیریم؟ آیا از نظام‌های اطلاع‌رسانی برای تعمیم رفاه و عدالت اجتماعی استفاده می‌کنیم؟ آیا از نظام اطلاع‌رسانی پویا و کارآمدی برای حفاظت از محیط‌زیست بهره می‌گیریم؟ آیا از نظام‌های اطلاع‌رسانی جامع و یکپارچه‌ای برای توسعه و نشر فرهنگ اسلامی و ایرانی خود استفاده می‌کنیم؟ آیا نیازمند یک نظام ملی اطلاع‌رسانی پویا هستیم؟ متولی این نظام اطلاع‌رسانی کدام نهاد و سازمان است؟ و...؟ و بالاخره اینک شاغلان و متولیان حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی در این زمینه چه باید بکنند؟ برای پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی مذکور نیازمند پژوهش‌های جامع و واقع‌نگر هستیم تا بتوانیم به طور قاطع و به یقین در مورد آنها اظهارنظر کنیم. اما در پاسخ به نقش کتابداران و اطلاع‌رسانان موارد زیر را می‌توان مدنظر قرار داد:

- روشن نمودن ارزش اقتصادی و کالایی اطلاعات برای مراکز تصمیم‌گیری که در سطح خرد و کلان مدیریت جامعه را

به عهده دارند؛

- تعیین چرخه تولید، توزیع، مصرف و تراز تبادل اطلاعات و محاسبه هزینه - سودمندی این فرآیندها در بخش‌های مختلف آموزشی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی؛

- تعیین چارچوب‌ها، عملکردها، وظایف و متولی نظام ملی اطلاع‌رسانی؛

- تعیین منافع آن‌سی، تأخیری و بالقوه اطلاعات در بخش‌های مختلف؛

- تعیین نقش و اهمیت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی در رشد و توسعه اقتصادی، علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی؛

- تعیین زیر ساخت‌ها و نیروی انسانی مورد لزوم و راه‌های تأمین منابع مالی برای تولید اطلاعات بومی برای دو سویه کردن تبادل اطلاعات.

در هر حال باید اعتراف کرد که کتابداران و اطلاع‌رسانان در عصر اطلاعات وظایف و مسئولیت‌های خطیری به عهده دارند زیرا با کالا و محصولی سروکار دارند که ارزش حیاتی و کلیدی برای جوامع بشری دارد. بدین معنا که اگر در حوزه‌های اقتصادی و کشاورزی از طلاهای سبز، سیاه و سفید نام می‌بریم، در عصر اطلاعات و حوزه اطلاع‌رسانی باید از طلای رنگارنگ اطلاعات نام برد که روز به روز بر قیمت و ارزش آن افزوده می‌شود. اگر کتابداران و اطلاع‌رسانان کشور ما بتوانند در این چالش بزرگ و با پویایی و خودباوری شرکت کنند به طور قطع نقش اساسی خود را در فرآیندهای توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ایفا خواهند نمود.